

مهدیه تهران - اصول تزکیه - ۳

پناهیان: قدم اول در تزکیه، داشتن احساس بی‌قراری است

مهدیه تهران در ماه مبارک رمضان امسال، بعد از مناجات دلنشین حاج مهدی سماواتی، میزبان سخنرانی حجت الاسلام علیرضا پناهیان است. این استاد حوزه و دانشگاه هر شب ساعت ۱۱ با موضوع «اصول تزکیه- طرحی نو و جامع در بیان قواعد کلیدی رشد معنوی و اخلاق اسلامی» در مهدیه تهران سخنرانی می‌کند. گزیده‌ای از مطالب ارائه شده در سومین جلسه با موضوع «اصول تزکیه» را در ادامه می‌خوانید:

**قدم اول در تزکیه، داشتن احساس بی‌قراری است / دلیل خراب شدن برخی از افراد مذهبی این است که اولین قدم را به خوبی برنداشته‌اند / هر کس قدم‌های اولیه خوب بردارد باید برگردد**

- در جریان فرایند تزکیه ابتدا به یک سلسله گام‌های مقدماتی می‌پردازیم؛ که باید در مراحل اولیه، این منازل مورد توجه قرار گیرند. این قدم‌های اولیه اگرچه از اهمیت بالایی برخوردار هستند، ولی بیشتر به اندیشه و احساس انسان بستگی دارند، بحث اصلی ما در تنظیم قدم‌های عملی خواهد بود که بعد از این گام‌های مقدماتی به آن خواهیم پرداخت.
- قدم اول در تزکیه این است که انسان در درون خود احساس بی‌قراری و ناآرامی داشته باشد و حس کند «جای او اینجا نیست، باید به یک جای دیگری برسد» حتی اگر نداند که آن جایی که باید برسد، دقیقاً کجاست. این یک احساس فطری اولیه است که هر کسی می‌تواند با کمی دقت آن را در خودش پیدا کند.
- اگر این قدم را در آغاز راه خوب برداریم به احتمال زیاد در قدم‌های بعدی با مشکل مواجه خواهیم شد. دلیل خراب شدن برخی از افراد مذهبی این است که به خوبی از این نقطه شروع نکرده‌اند یعنی اولین قدم تزکیه را برنداشته‌اند و به سراغ قدم‌های بعدی رفته‌اند.



- هر کس قدم‌های اولیه خوب بردارد باید برگردد و از اول شروع کند. البته نه اینکه اعمال خوب خود را ترک کند ولی باید ضمن آن اوائل راه خود را اصلاح نماید.
- پیامبران الهی در ابتدا سعی دارند با «انذار»، این بی‌قراری را در دل انسان‌ها بیان‌دازند و ترس از ماندن در همین وضعیت فعلی را در آنها ایجاد کنند. انسان یا خودش احساس بی‌قراری را در خود می‌یابد و به پیامبران برای پاسخ این بی‌قراری مراجعه می‌کند و یا پیامبران با زدودن غفلت این بی‌قراری را در آنها بیدار می‌کنند.

برخی برنامه‌های رسانه‌ای دنیا آرامش دروغین و واکنش بی‌خیالی به انسان‌ها تزریق کنند

- یک سری از برنامه‌های به ظاهر خوب که امروزه در اکثر رسانه‌های دنیا دیده می‌شود برنامه‌هایی هستند که سعی می‌کنند به انسان‌ها یک نوع آرامش دروغین و ساختگی بدهند و اصطلاحاً واکنش آرامش و بی‌خیالی به آنها تزریق کنند. اینها سعی می‌کنند روحیه انسان‌ها را شبیه حیوانات و چهارپایانی کنند که بی‌خیال کمال، و راضی به وضعیت خود هستند.
- آن چیزی که نمی‌گذارد انسان احساس بی‌قراری را در فطرت خود ببیند، راضی شدن به این دنیای ناچیز و یا بی‌توجهی به پیام پیامبران است. خداوند می‌فرماید: «محققا کسانی که امید و انتظاری به روز دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا راضی و دل‌هایشان به همان مادیات پست آرامش یافته، و نیز کسانی که از آیات ما غافلند؛ **إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنُّوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ**» (یونس/۷)
- امام صادق (ع) می‌فرماید: «دل انسان در سینه او تکان می‌خورد و بی‌قرار است، حق را می‌خواهد و در پی حقیقت است، وقتی به آن رسید اطمینان و قرار پیدا می‌کند؛ **إِنَّ الْقَلْبَ لَيَتَجَلْبَلُ فِي الْجَوْفِ يَطْلُبُ الْحَقَّ فَإِذَا أَصَابَهُ اطمَأَنَّ وَ قَرَّ** (کافی/۲/۴۲۱) پس انسان تا وقتی به حقیقت نرسد بی‌قرار است مگر اینکه دستگاه قلب او مرده باشد و خوب کار نکند.

اگر دین به کسی که بی‌قرار حقیقت نشده عرضه شود، احساس می‌کند دین را به او تحمیل کرده‌اند / وقتی با کسی قبل از احساس بی‌قراری از قرارگاه ارزش‌ها حرف بزنی پس می‌زند.

- کسی که بی‌تاب و تشنه این نیست که تغییر، تحول و تکاملی پیدا کند، هنوز قدم اول را برداشته است و هنوز آمادگی ندارد که دین به او عرضه شود و اگر دین به او عرضه شود تصور می‌کند که می‌خواهند دین را به او تحمیل کنند. کسی که با این بی‌قراری شروع کند، دیگر برای دینداری کردن سر خدا منت نخواهد گذاشت.
- مادران، معلمان و مربیان محترم باید از حدود ۷ تا ۱۴ سالگی این سؤال را برای بچه‌ها ایجاد کنند که «ما برای چه به این دنیا آمده‌ایم؟ این دنیا برای ما کافی نیست» من از مربیان محترم خواهش می‌کنم قبل از اینکه این بی‌قراری را در کسی ایجاد کنند برای او از ارزش‌ها حرف نزنند، چون او احساس می‌کند که ارزش‌ها را می‌خواهند به او تحمیل کنند. وقتی با کسی قبل از احساس بی‌قراری از قرارگاه ارزش‌ها حرف بزنی پس می‌زند.



احساس بی‌قراری از ابتدا تا پایان مسیر ادامه دارد / انسان به هر مرتبه‌ای که می‌رسد بی‌قراری رسیدن به مرتبه بالاتر است

- درست است که احساس بی‌قراری اولین قدم در تزکیه است اما این احساس باید تا پایان مسیر ادامه داشته باشد. «موجیم که آسودگی ما عدم ماست» انسان به هر مرتبه‌ای که می‌رسد بی‌قراری رسیدن به مرتبه بالاتر است. آدم‌های خوبی هم که به وضعیت خودشان راضی می‌شوند و دیگر این بی‌قراری را ندارند، در واقع دچار عجب شده‌اند و عجب هم شبیه کفر است.
- این بی‌قراری هیچگاه بی‌پاسخ نمی‌ماند و هیچوقت آزار دهنده نیست، و حتی تعادل بخش و آرامش دهنده هم هست. برعکس، آن آرامش کاذب تلقینی و تکامل گریز، به مرور آرامش انسان را نابود می‌کند و اعصاب آدم را بهم می‌ریزد. این بی‌قراری اگر در محضر پروردگار باشد انسان در آغوش گرم پروردگار قرار خواهد یافت.

